

جغرافیای تاریخی خوارزم

تألیف محمدی یدی

با همکاری نادره یدی و اشرف السادات میرکالی



تهران ۱۳۸۸

سرشناسه	: سیدی، مهدی، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: جغرافیای تاریخی خوارزم / تألیف مهدی سیدی؛ با همکاری نادره سیدی، اشرف‌السادات میرکمالی، ومساعدت سرکنسولگری ایران در مرو.
مشخصات نشر	: تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۸ ص.: مصور، نمودار، نقشه.
فروست	: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی؛ ۱۳۰. گنجینه جغرافیای تاریخی ایران، ۱۹.
شابک	: 978-964-6053-52-6
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۱۵] - ۲۳۰.
یادداشت	: نمایه
موضوع	: خوارزم - جغرافیای تاریخی.
شناسه افزوده	: سیدی، نادره.
شناسه افزوده	: میرکمالی، اشرف‌السادات.
شناسه افزوده	: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
شناسه افزوده	: ایران، کنسولگری (مرو).
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ۹ س ۳۳۳ و / ۲۰۱۷ DSR
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۸۷
شماره کتابخانه ملی	: ۱۸۰۶۲۶۳



ناشر	: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار
نام کتاب	: جغرافیای تاریخی خوارزم
تألیف	: مهدی سیدی، با همکاری نادره سیدی، اشرف‌السادات میرکمالی
شمارگان	: ۱۰۰۰
شماره انتشار	: ۱۳۰
شماره گنجینه جغرافیای تاریخی ایران:	: ۱۹
آماده سازی فنی	: انتشارات ثریا
نوبت چاپ	: اول
سال چاپ	: ۱۳۸۸
چاپ	: چاپخانه ترانه
صحافی	: سیندین
بها	: ۲۵۰۰ تومان



مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی

موقوفات دکتر محمود افشاری

شماره ۱۳۰

هیأت گزینش کتاب و جوایز *

رئیس شورای تولیت: دکتر سید مصطفی محقق داماد

دکتر ژاله آموزگار - دکتر محمود امیدسالار - دکتر حسن انوری - کاوه بیات -

دکتر جلال خالقی مطلق - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - ایرج افشار

* درگذشتگان

دکتر یحیی مهدوی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر سید جعفر شهیدی

شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش) - وزیر بهداشت (وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) - رئیس دانشگاه تهران، یا معاونان اول هریک از این پنج مقام (طبق ماده ۲ و قفنامه)

متولیان منصوب و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر علیمحمد میر (جانشین: دکتر حسین نژادگشتی) - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - مهربانو دکتر افشار (دبیر شورا) جانشین: پروین صالح - ایرج افشار (بازرس و سرپرست) - ساسان دکتر افشار (بازرس)

هیأت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد رئیس هیأت مدیره (از شورای تولیت)
ابراهیم ابراهیمی نایب رئیس هیأت مدیره (از شورای تولیت)، معاون قضائی دیوان عالی کشور
محمدتقی جنیدی مدیرعامل
صمد محمودی بافتت خزانهدار حسابدار



مسئول انتشارات کریم اصفهانیان

درگذشتگان

اللهیار صالح - حبیبالله آموزگار - دکتر محمدعلی هدایتی - دکتر مهدی آذر - دکتر یحیی مهدوی - مهندس نادر افشار - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی.
ریاست هیئت مدیره: دکتر سید جعفر شهیدی (از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۲).
اعضای پیشین
دکتر جمشید آموزگار - دکتر منوچهر مرتضوی - بهروز افشار یزدی.

بنام پروردگار یادداشت واقف

اول : طبق ماده ۲۳ و تقاضا اول مورخ یازدهم ۱۳۳۷ هـ ش. (... در آمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب رسالات که بابت این موقوفات موافق باشد و همچنین بکتاب به مجله آینده در صورت احتیاج و احتیاجاً دادن جوایز به نویسندگان بشیخ دستور این وقفنامه گردد.)

دوم : هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ و تقاضا (... تعلیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران میباشد. بنابراین کتبی که با وجود این موقوفات منتشر شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.)

سوم : طبق ماده ۲۶ (مقداری از کتب رسالات چاپ شده با وجود این موقوفات باید بطور بدیه و بنام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه و مراکز تحقیقاتی عمومی ایران خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مشرقین خارج فرستاده شود ...)

چهارم : چون نظر بازگانی در انتشارات این موقوفات نیست تا حدی ممکن میان هم جایز است طبق ماده ۲۷ و تقاضا به هیچ کتاب رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی را انداز بهای تمام شده و افزایش صدی دو یا بیشتر قیمت گذاری شود (... این افزایش ۲۵ درصد بواسطه حداقل حق الزحمه فروشنده گان و هزینه ایست که برای پست غیر تحمل می شود. از آن بفرودشان تقاضا داریم که در این امر خیر فی که ابد اجنبه تجاری نذر و با مایاری تشکیک سیاسی ننمایند.

پنجم : براساس موافقت نامه دوم مورخ ۱۳۵۲، ۴، ۱۲، که میان واقف و دانشگاه طهران با امضا رسید، قسمتهای مهمی از رقبات مانند جایگاه سازان نخست نامه خود را محل مؤسساتان شناسی بطور رایگان به دانشگاه طهران اعاده شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد و تقاضا که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و

فکر کتاب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) میباشد در اختیار دانشگاه تهران قرار گیرد و وصول نموده و بنام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم : چون طبق ماده ۳ مرافقت نامه نامبرده مقرر شد است که از طرف ریاست دانشگاه ملیفراتولیان این موقوفات که از طرف اهف بصورت کتبه اشعارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی ادار امور جواز نشر کتاب انتخاب شود، (ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای ملیست است) از طرف اهف نیز بصورت کتبه نامبرده معین شده بسمت سرپرست انتخاب برقرار نمودند.

هفتم : چون مجازند این بطور بواسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کار بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره بفرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. درین چند سال اخیر بهم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات بطبع رسیده با کوشش سرپرستی می بوده است. کسانی که بایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند میتوانند با مراجه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با اهداف این بنیاد یعنی ترقی ملت و کشور و تعلیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک زبان می و ملی همه ایرانیان است، میباشد.

هشتم : این یادداشت کلی برای چاپ در آغازه هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشار یزدی

آذرماه ۱۳۵۸ ه. ش.

محمد اسحاق

تکلمه سوم

کسی که با وجود این موقوفات طبع و توزیع میشود باید کاملاً متعین باینست واقف و هدف تفصیل باشد اگر به تأیید
مجموعه باینکه بقلم واقف نشر شده یا می شود در صد این ملاحظه اندازد و بسبب اینست که واقف قصد چاپ آنرا
با مال خود داشت ولی زمانیکه دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشار کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود
را هم که دارای همین جنبه است به عهده بنیاد و گذارد.

اما این مؤثر آن نیست که تألیفات دیگر را هم از سر نو بخرد باشد و برسد چاپ نماید کتب نظم و نثری از گذشته که تا آنجا
با وجود آن چاپ نخواهد شد که هدف غایی واقف آنکه ترویج زبان و نثری و تکمیل وحدت فکری ایران است بر داشته کسی که بولی
از ناحیه گرای. و بعد از طبعی. و حکایت از روح زبانهای خارجی به قصد تقصیف بانری. و دیگر خبرهای تفرقه آمیز و دشمن
سیاستهای فتنه انگیز داشته باشد نباید با وجود این موقوفات طبع و توزیع شود.

تکلمه دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ نام فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد. و تاریخ کامل
ایران که ادواتی یاد و هرگز پیشتر دارد. و رآید ما هیئت بنیاد و کفای خرج آنها را ندیده میتوان با اندوختن با یکی این موقوفات چاپ
نمود بشرط آنکه اجازه واقف در زمان حیات موافقت شورای تالیف بعد از اتمام یا هر کس در شکلی قانوناً قائم مقام
در تکلمه دوم یاد داشت واقف منتشر در جلد سوم افغان نامه بگذاشتیم که کتب رسالاتی که با وجود این موقوفات چاپ
میشود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی مخصوصاً آلوده نباشد باغراض سیاسی خارجی و لغات پر و دشت تاریخی ادبی ایران
شناسی... و در پایان آن تکلمه افزودیم. بجمه داشتیم که مبادا چنین رسالاتی سالها بعد از ما نخواستند و ندانسته. بوسیله
بنیاد چاپ شود پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود. عده مخاطب این یادداشتها را در میان بنیاد موقوفات خود
ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک و شش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی بستم و فرزند دانشمند من ایرج افشار که به روز نویسنده کی کاملاً آگاه میباشد سرپرست
این بنیاد هست مرجی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این کوشش ادامه یابد. ان شاء الله. اردیبهشت ۱۳۶۱

تکلمه و تبصره

با در دست افبند روزش از در گذشت ۱۳۰۰ هجری اولی و زیاده

کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سر بایه و آرد این بنیاد چاپ و ترویج شود باید منطبق با قیاس و اقتضای وقت باشد و اقتضای وقت در فوج زبان فارسی در نظر این بنیان محکم و حدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بوی از ناحیه کربلی و جدایی طلبی نهد، و حمایت ترویج از هر بومی ملی در بانهای خارجی به قصد تضعیف بنیان فارسی درمی نگیرد. خلاصه آنکه این کتابها رسالات باید منزه باشد از دشمنای تفرقه آمیز و سیاستهایی فتنه انگیز چه بطور مرمر و چه علنی مخصوصا نباید آلوده باشد با اغراض سیاسی خارجی در لغات پرتویش تاریخی، ژئوگرافی و فزنیکی و ایران شناسی.

کتاب تاریخی ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه شود اگر دارای هر دو جنبه از سود زبان باشد، بایه قیمت سودمند آید ترجمه شود و قیمت بنان بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد. عالمانه زیرا که گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، شائسته و جوی کوی این بنیاد و انتشارات نمی باید در هر حال از دروغ و تافه پرهیز کند. به گفته نظامی کنوی: چو نان هستی ادب کز آن دروغی انسب ای خرج کردن

برای چاپ انتشار کتاب رسالات نه تنها هزینه و حق الزحمه میخواهیم بلکه به سبب اهمیت فوق العاده سودمند بودن کتاب جایزه نیز میپردازیم. این بنیاد در چاپ انتشار کتابهای خود بطور مسلم ضرر مادی ندارد، زیرا اکثر از ارزش تمام شدن، از کاغذ و چاپ و غیره، از راه فروش آید دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ماشینی به معالجه مروج ملاحظه الدین باشد که تخم مرغ میخورد و نه ای و شای، می خفت و رنگ می کرد و می فروخت یک شای، عقیده ما بر اینست که اگر در این ضرر مادی و مالی می کنیم سود معنوی که منظور ماست می بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان فارسی و محکم و حدت ملی و تمامیت ملی ایران است و ادب می بریم. این زبان به حساب معارف و تفه در راه آید و آل و هدف ملی خود محسوب می اریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به یکدیگر منشر شده و داشته ای کتابهای این بنیاد که اضافات و تقاضاهایی که با هم دارو توجه فرمایید.

دکتر محسن افشار

آرامه ۱۳۶۲

مقررات مربوط به جایزه های ادبی و تاریخی

ماده ۲۴ و قضاة اول

چنانچه در آید موقوفات به مقدار قابل افزایش باید واقف یا شورای تولیت می تواند علاوه بر تالیف و ترجمه و چاپ کتب مبلغی از آن را تخصیص به جوایز برای تشویق دانشمندان، دانش پژوهان، نویسندگان و شاعران بدهند، بالاخص برای بهترین نویسندگان و شاعران در مجله آینده، بنا بر این باید شعرا و نویسندگان را به سرودن اشعار توصیف قطعات نظم و نثر وطنی و ملی و اجتماعی، طرح اقتراحات و مسابقه ها و دادن جوایز از درآمد موقوفات تشویق و ترغیب نمود. تشخیص این امور در زمان حیات با واقف است که با مشورت دوستان مطلع خود انجام می دهد پس با نیستش نغزه است که دو سوم از متولیان و یک سوم از نیست میره شرکت مطبوعاتی آینده یا هر کس را که آنها و اینها به جایشان معین کنند، مرکب خواهد بود.

ماده ۵ و قضاة پنجم

بسبب انحلال شرکت مطبوعاتی آینده آنچه در مورد تشخیص امور مربوط بدان جوایز طبق ماده ۲۴ و قضاة اول مزبور در میانه ۱۳۲۷ به عهده آن شرکت محول بوده از میان رفته و انجام آن امور منحصراً به عهده واقف پس شورای تولیت است که می تواند از اهل بصیرت یاری بخوانند.

یادداشت واقف

جوایز - جوایزی که در این موقوفات تعیین شده نیز مانند سایر امور آن پیرامون هدف آن است تکمیل وحدت ملی به وسیله زبان فارسی یعنی کتب و رسالات و مقالات و اشعاری که در پیرامون این هدف نوشته شود، خواه به زبان فارسی خواه به زبانهای دیگر خواه به وسیله ایرانیان یا ملل دیگر خواه در خود ایران خواه در خارج می تواند نامزد دریافت جایزه گردد برای این کار آیین نامه ای باید تهیه شود، اجمالاً اصول آن را یادداشت می کنم.

جایزه های داده شده و تبارخ اعطای آنها

۱	۱۳۶۸	دکتر نذیر احمد	دانشمند هندی، استاد بازشته دانشگاه علیکره (هندوستان)
۲	۱۳۶۹	دکتر غلام حسین یوسفی	دانشمند ایرانی، استاد بازشته دانشگاه فردوسی (مشهد)
۳	۱۳۶۹	دکتر امین عبدالمجید بدوی	دانشمند مصری متخصص ادبیات فارسی، استاد دانشگاه سین شمس (قاهره)
۴	۱۳۷۰	دکتر سید محمد دبیر یاقی	دانشمند ایرانی، از موسسه لغتنامه دهخدا
۵	۱۳۷۰	دکتر فتور الدین احمد	دانشمند پاکستانی، استاد بازشته دانشگاه پنجاب (لاهور)
۶	۱۳۷۵	جان جون نین	دانشمند چینی، استاد و رئیس بخش فارسی دانشگاه پکن (چین)
۷	۱۳۷۷	دکتر کمال الدین صنی	دانشمند تاجیکستانی، استاد و متخصص ادبیات فارسی (دوشنبه، تاجیکستان)
۸	۱۳۷۹	دکتر منوچهر ستوده	دانشمند ایرانی، استاد بازشته دانشگاه تهران
۹	۱۳۸۲	دکتر عبدالحسین زربین کوب	دانشمند ایرانی، استاد بازشته دانشگاه تهران
۱۰	۱۳۸۰	کیف نورد اودوندا باسورث	دانشمند انگلیسی، استاد بازشته دانشگاه پختره عضو آکادمی بریتانیا (انگلستان)
۱۱	۱۳۸۲	فریدون مشیری	سخنرانی نامور ایرانی
۱۲	۱۳۸۲	تسونه نو کورو یاماگی	دانشمند ژاپنی، استاد ممتاز دانشگاه مطالعات خارجی توکیو (ژاپن)
۱۳	۱۳۸۳	پرفور ریچارد فرای	دانشمند آمریکایی، استاد پیشین ایران شناسی دانشگاه هاروارد (آمریکا)
۱۴	۱۳۸۵	مانس دو بروین	دانشمند بلندی، استاد پیشین زبان فارسی دانشگاه لیدن (بلند)
۱۵	۱۳۸۶	نجیب یال هروی	دانشمند افغانستانی، پژوهشگر و صحیفه نویس عرفانی
۱۶	۱۳۸۶	شارل مانری دو فوشه کور	دانشمند فرانسوی، استاد پیشین دانشگاه پاریس (فرانس)
۱۷	۱۳۸۷	دکتر عبد الزمان قریب	دانشمند ایرانی، استاد بازشته دانشگاه تهران

فهرست مطالب

مقدمه	۹
واحدهای سنجش و اندازه گیری مذکور در این کتاب	۱۳
فصل اول - ولایت خوارزم	۱۷
فصل دوم - مراکز خوارزم	۴۵
کات، کات	۴۵
گرگانج، جرجانیه	۵۲
اورگنج	۶۰
کهنه اورگنج	۶۵
خیوه	۶۹
فصل سوم - چهل شهر و آبادی بزرگ ولایت خوارزم	۷۱
آردکوا ۷۱ / اردخشمین ۷۲ / آردخیوه ۷۴ / ازرق ۷۴	
اندرستان ۷۵ / اورگنج نو ۷۵ / براتکین ۷۶ / جگریند ۷۷	
خانقاه ۷۸ / داش حوض ۷۹ / درغان ۸۰ / دسکاخان خاس ۸۳	
رباط ماش ۸۳ / روزوند ۸۴ / زردوخ ۸۴ / زمخشر ۸۴	
سافردز ۸۸ / سدور ۸۹ / سوبرنی ۹۰ / شاه آباد ۹۲	
شوراخان ۹۲ / طاهریه ۹۳ / غارامخشنه ۹۴ / گردمان ۹۴	
غزوات ۹۴ / فتنک ۹۵ / کَرْدَر ۹۶ / کردران خاس ۹۷	
گیت ۹۸ / مدامیشن ۱۰۰ / مدرا ۱۰۱ / مدمینه ۱۰۱	
مزداخکان ۱۰۱ / نوزوار ۱۰۳ / نوکفاح ۱۰۴ / وزارمند ۱۰۵	
وایخان ۱۰۵ / وزیر ۱۰۵ / هزاراسپ ۱۰۶ / ینگی اورگنج ۱۰۹	

- فصل چهارم - جیحون و مسیرها و شعبات آن ۱۱۱
- آمودریا، آب آمویه ۱۱۱
- جیحون ۱۱۲
- تنگ دهان شیر ۱۱۷
- نهرهای فرعی جیحون : ۱۱۹
- نهر گاوخواره ۱۱۹
- نهر گریه ۱۲۰
- نهر جردور ۱۲۰
- نهر کُردر ۱۲۰
- نهر هزاراسب ۱۲۰
- نهر کردران خواش ۱۲۰
- نهر خبویه ۱۲۱
- نهر مدری ۱۲۱
- نهر وداک ۱۲۱
- نهر بُوه ۱۲۲
- سایر مواضع و نامهای جغرافیایی مرتبط با جیحون : ۱۲۲
- وزغنده ۱۲۲
- دریای خوارزم ۱۲۲
- اوزبوی ۱۲۴
- دودن ۱۲۴
- ساری قمیش ۱۲۴
- فصل پنجم - ولایات و بیابانهای همجوار خوارزم ۱۲۷
- بیابانها : ۱۲۷
- آسیب ۱۲۷
- بیابان بخارا، قزل قوم ۱۲۸
- بیابان غُز، غوز ۱۲۸

۱۲۸	ولایات و شهرهای همجوار:
۱۲۸	منقشلاق
۱۲۹	قراقالپاق
۱۲۹	عقبه خلم
۱۳۰	بلخان (کوه، ناحیه)
۱۳۴	شهر وزیر
۱۳۹	آواق، اداق
۱۴۱	قرنچه
۱۴۳	فصل ششم - شاهراههای خوارزم
۱۴۴	راه جرجانیه و اورگنج به فراوه
۱۴۴	سایر راههای خوارزم به شمال خراسان:
۱۴۵	گرگانج به یازر
۱۴۵	نسا و شهرستانه به خوارزم
۱۴۵	باورد و کوفن به خوارزم
۱۴۶	مرو به جنوب خوارزم
۱۴۷	راه آمل (آموی) به خوارزم
۱۴۸	بخارا به خوارزم
۱۴۹	خوارزم به شمال دریای خزر
۱۵۲	دهستان به خیوه در سده سیزده هـ / نوزده م
۱۵۷	فصل هفتم - فرهنگنامه جغرافیای تاریخی خوارزم
۲۱۵	منابع
۲۲۱	فهرست اعلام تاریخی
۲۲۹	ضمائم (عکسها و نقشهها)

مقدمه

ولایت نامی خوارزم که شامل 80×80 فرسنگ اراضی دلتای رود جیحون در جنوب دریای خوارزم بوده، از دیرباز یکی از ولایات سرحدی ایران زمین با سرزمین ترکان و غزها محسوب می‌شده است. به اعتقاد بعضی، خوارزم همان «ایرانویج» مذکور در اوستاست، که مبداء حرکت قوم آریایی به فلات ایران بوده است. فردوسی خوارزم را از ولایت‌های سرحدی ایران و توران و محل کشمکش این دو کشور خوانده، «ابن خردادبه» هم عنوان حکام خوارزم در دوره قبل از اسلام را «خسرو خوارزم» گزارش کرده است. این که حکام خوارزم در قرون اول تا هفتم اسلامی / هفتم تا سیزده م. / نیز خود را «خوارزمشاه» می‌خوانده‌اند، مؤید دعوی ابن خردادبه و هم اهمیت این ولایت شبه کشور است.

نام آوران برخاسته از خوارزم، چونان ابوریحان بیرونی، جاراالله زمخشری و نجم‌الدین کبری ...، این ولایت را به شهرت جهانی رسانده‌اند. دانش «لگاریتم» در ریاضی نیز در اصل برگرفته از نام ریاضی‌دان برجسته سده دوم ه. «ابوجعفر محمدبن موسی الخوارزمی» بوده که بعداً تبدیل به «الگوریتمی» و «لگاریتم» شده است. ظهور دودمان دانشمند و دانش‌پرور «آل عراق» و «مأمونیان» در سده چهارم سبب تجمع دانشمندان بی‌نظیری در کاث (مرکز اولیه خوارزم) و بعد گرگانج (یا جرجانیه، مرکز بعدی) شدند. بالاخره ظهور دودمان قدرتمند و نامی «خوارزمشاهیان» در سده ششم ه. / دوازده م. و رفتار مغولان با ایشان و خوارزم، شهرت این ولایت را عالم‌گیر کرده است.

با توجه به پیوستگی بی‌وقفه تاریخ و فرهنگ خوارزم با ایران، اطلاعات منابع

ایرانی و اسلامی از این ولایت در دوره پیش از مغول اندک نیست. اما پس از آنکه خوارزم به جوجی و اردوی طلائی تعلق گرفت و از قلمرو جغتای (ماوراءالنهر) و ایلخانان (ایران) جدا شد، رابطه سیاسی آن با ایران نیز تقریباً قطع شد؛ اما باز به برکت گزارش حمدالله مستوفی در *نزهة القلوب* و ابن بطوطه مغربی در سفرنامه‌اش، اطلاعات ما از خوارزم در قرون هفتم و هشتم ناچیز نیست. در همان برهه بود که واقعه مهم تغییر مسیر جیحون، از دریای خوارزم به دریای خزر، صورت گرفت و پیامدهای زیست محیطی مهمی را در منطقه خوارزم و بلخان به وجود آورد.

با ظهور تیمور لنگ و ضمیمه شدن خوارزم به قلمرو او و عقباش (در سده نهم.هـ / پانزده.م) بار دیگر خوارزم جزئی از ایران شد و حوادث تاریخی آن درج منابع فارسی گردید. از قبل همان اطلاعات است که همگان از جزئیات تغییر مسیر جیحون و پیدایش شهرهای نوین ولایت بلخان مطلع شده‌اند. اما از اوایل سده دهم که قوم ازبک صاحب خوارزم و ماوراءالنهر شدند، رابطه ایران با خوارزم تقریباً قطع شد و آن ولایت تبدیل به یکی از کانونهای خصومت و تهاجم به خراسان و ایران گردید. بدین سبب اطلاعات مندرج در منابع ایرانی از وضعیت خوارزم بسیار اندک است، مگر زمانی که هجوم ازبکان به خراسان را گزارش کرده‌اند.

در آن دوره درازمدت، اولین بار به مناسبت حمله نادرشاه افشار به خوارزم (در سال ۱۱۵۳.هـ / ۱۷۴۰.م) اطلاعات قابل ملاحظه‌ای از خوارزم درج منابع تاریخی ایران، خصوصاً تاریخ *عالم‌آرای نادری* شده است. حدود صد سال بعد هم که رضاقلی‌خان هدایت به عنوان سفیر صلح دولت ناصرالدین‌شاه قاجار در سال ۱۲۶۸.هـ / ۱۸۵۱.م به دربار محمد امین خان خوارزمی سفر کرد، گزارش خوبی از این ولایت ارائه نمود. از آن پس تقریباً هیچ اطلاعی توسط ایرانیان در اختیار ما قرار نگرفته است، مگر گزارشهایی از دیگران، چون کتاب سیاحت درویشی دروغین از وامبری مجاری که در سال ۱۸۶۳.م / ۱۲۸۰.هـ به میان ترکمانان و ازبکان رفته است، نیز کتابهای ارزشمند بارتلد با عنوانهای *ترکستان‌نامه* و *آبیاری در ترکستان*، همچنین کتاب *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی* لسترنج انگلیسی.

بالاخره تصرف خوارزم توسط روسیه تزاری در اواخر سده نوزده میلادی، و

تقسیم آن میان دو کشور ترکمنستان و ازبکستان، و ولایت خودمختار قراقالباق در سال ۱۹۲۴ میلادی (۱۳۰۳ خ) این دیار را مهجورتر و غیرقابل دسترس‌تر برای همگان کرد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای تابع آن در سال ۱۹۹۱ م. / ۱۳۷۰ ه. / نیز امکان سفر ایرانیان به سه جزء ولایت خوارزم کمتر فراهم بوده است. بدین سبب، وقتی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در عشق‌آباد، در سال ۱۳۸۲ پیشنهاد پژوهش در جغرافیای تاریخی کشور ترکمنستان را به این بنده داد، با اشتیاق پذیرفتم و در زمستان همان سال به لطف جناب آقای دکتر غلامحسین‌زاده (رایزن وقت) شرکت در کنفرانس بین المللی جاراالله زمخشری را معتنم شمردم و سفری یک روزه از عشق‌آباد به کهنه اورگنج داشتم. اما پس از آن، به رغم این که توفیق دو سفر دیگر به ترکمنستان را یافتم، سفر به خوارزم برایم مقدور نشد، چرا که دولت ترکمنستان حتی برای سفر شهروندان خودش به ولایت داش‌حوض (خوارزم پیشین) مجوز ویژه صادر می‌کند. در نتیجه، بنده امکان پژوهش میدانی جدی در بخش ترکمنستانی این ولایت را نیافتم. شهرهای خوارزم کشور ازبکستان، و جمهوری خودمختار قراقالباق را هم ندیده‌ام. با این همه در پژوهش حاضر کوشیده‌ام تا تصویری نسبتاً روشن از پیشینه دراز دامن خوارزم و وضعیت کنونی آن ارائه نمایم.

چنانکه ملاحظه می‌شود تعداد ۵۰۰ شهر و آبادی یا موضع جغرافیای تاریخی در ولایت خوارزم شناسایی شده‌اند، که عمده آنها در دوره قبل از مغولان وجود داشته و بعد از صفحه جغرافیای خوارزم محو شده، یا افتان و خیزان نام و کالبد خویش را به زمان ما رسانیده‌اند.

ما برای معرفی این همه موضع، دو شیوه موضوعی و الفبایی را در کنار هم برگزیده‌ایم. بدین معنی که نام همه مواضع را به صورت فرهنگنامه الفبایی در یک فصل (هفتم) گنجانده‌ایم، تا محققانی را که در جستجوی موضوعی خاصی هستند مفید افتد. اما حدود نود مدخل مهم‌تر را از آن فرهنگنامه برداشته و در شش فصل دیگر کتاب به صورت موضوعی معرفی کرده‌ایم (با ذکر محل نقل هر مدخل، در سایر فصلها) تا برای عامه علاقمندان مفید باشد.

چون موضوع اصلی این کتاب جغرافیای تاریخی ولایت خوارزم است،

فرستی برای روایت تاریخ محض یا معرفی دانشمندان بسیار زیاد و سرشناس آن نمانده است، مگر دانشمندان معدودی که منسوب به بعضی از شهرها و آبادیهای این ولایت بوده‌اند. با این همه، کتاب را به یکی از چند بزرگ مرد خوارزمی، یعنی: ابوریحان بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ هـ. مؤلف کتابهایی چون *مسامرة الاخبار خوارزم*، *آثار الباقیه*، *ماللهند*، و *التفهیم ...*)، نیز مؤلف ناشناس کتاب *حدود العالم* تقدیم کرده‌ایم، تا بدین وسیله ضرورت پژوهش در احوال رجال و مشاهیر خوارزم هم یادآوری شده باشد.

در خاتمه از همه کسانی که در این پژوهش یاری‌رسان بنده بوده‌اند، خصوصاً برادرزاده‌کوشایم نادره سیدی و همکار و همسر اشراف‌السادات میرکمالی و سرکنسولگری ایران در مرو ممنونم و توفیق روزافزونشان را از خداوند متعال خواهانم.

مهدی سیدی

مشهد، بهار ۱۳۸۶